

# آیا روایت کتاب مقدس درباره آدم و حوا واقعی است یا تمثیلی؟



آیا روایت کتاب مقدس درباره آدم و حوا واقعی است یا تمثیلی؟

در واکنش به پیدایش فصل اول آیات ۲۷ و ۲۸، دلیلی مشاهده نمی شود که وجود آدم و حوا را غیر واقعی بپنداریم: "خدا انسان را شبیه خود آفرید. او انسان را زن و مرد خلق کرد و آن ها را برکت داد، فرمود: "بارور و کثیر شوید و زمین را پر سازید و بر آن تسلط یابید".

علی رغم آن که کتاب مقدس به روشنی این نکته را تعلیم می دهد، مخالفان هم چنان آدم و حوا را به عنوان شخصیت های تاریخی نمی پذیرند. نگرش آنان این است که آدم و حوا، صرفاً جنبه تمثیلی دارند و داستان سقوط اولین زوج به سبک استعاره بیان می شود. اکثر کسانی که به این نگرش معتقدند، از طرفداران نظریه

تکامل می باشند.

این گروه از مخالفان کتاب مقدس مدعی اند که آفرینش آدم و حوا در چارچوب نگرش تکامل، جایی برای مطالعه و بررسی ندارد.

برای کسانی که در جستجوی حقیقت هستند، این سؤال مطرح می شود که آیا شواهد علمی و تاریخی و هم چنین کشفیات باستان شناسی، ادعای طرفداران نظریه تکامل را تایید می کند یا خیر؟

یک. کتاب مقدس، تاریخ را از اصول اعتقادات یهود و مسیحیت جدا نمی سازد.

دو. گزارش کتاب مقدس از پیدایش خلقت، متفاوت از روایات بت پرستان دوران باستان است. هشدار های زیادی در پنج کتاب موسی علیه بت پرستی و فرهنگ نادرست قوم های دیگر مشاهده می شود. اگر کتاب مقدس با خدای ماه یا خدای خورشید آغاز می گردید، با پیشرفت علم این سؤال برای خوانندگان مطرح می شد که چگونه خورشید یا ماه به وجود آمده اند؟

سه. بعضی از مخالفان کتاب مقدس معتقدند که فصل های اول و دوم کتاب پیدایش جنبه تاریخی ندارد و صرفاً، شعر و سرود می باشند. در حالی که اگر متن ادبی پیدایش و مزامیر را مقایسه کنیم، در می یابیم که سبک سرودن شعر در فصل های اول و دوم پیدایش وجود ندارد. حتی اگر فرض کنیم پیدایش خلقت و آدم و حوا شعرگونه است، آیا شعر از ارزش حقیقت تاریخی می کاهد؟ آیا هرگز نمی توان حقایق مسلم تاریخی را در قالب شعر ارائه داد؟

چهار. در کتاب پیدایش، هیچ گونه تفاوت سبک ادبی میان زندگی آدم (فصل ۲) و ابراهیم (فصل ۱۲) مشاهده نمی شود. در یازده فصل نخست، تاریخ نادیده انگاشته نمی شود. موسی با دقت و درایت میان آدم و حوا و ابراهیم و نیز در ادامه با قوم اسرائیل ارتباط برقرار می سازد.

پنج. نسب نامه آدم و نسل او در فصل پنجم کتاب پیدایش نشان می دهد که آدم و حوا، انسان های واقعی بوده اند و نه خیالی. هم چنین نسب نامه های اول تواریخ فصل اول و لوقا فصل سوم از نظر تاریخی با آدم پیوند می خورند.

شش. عهد جدید، آدم را به عنوان شخصیت تاریخی معرفی می کند (رومیان فصل ۵ آیات ۱۲ - ۲۱، اول قرنطیان فصل ۱۵ آیات ۲۱ - ۲۲، و آیات ۴۵ - ۴۹).

هفت. کتاب مقدس به هیچ وجه نمی گوید که نخستین انسان یعنی "آدم"، یک شخصیت افسانه ای بوده، بلکه نشان می دهد که او شخصی حقیقی بوده است: یک انسان متفکر و دارای احساسات که می توانست در باغ عدن کار کند. بعد از گذشت مدتی نامشخص، خدا نخستین زن را آفرید تا همسر آدم شود. وقتی آدم چشمش به حوا افتاد، گفت: "این است استخوانی از استخوان هایم و گوشتی از گوشتم" (پیدایش فصل ۲ آیه ۲۳). سخن "آدم" بیانگر شاهد عینی واقعیت است. بنابراین، گزارش زندگی آدم و حوا تمثیلی و غیر واقعی نیست.

هشت. مواد شیمیایی موجود در بدن انسان، نشان می دهد که بشر از خاک آفریده شده است: کربن، آهن و اکسیژن در خاک زمین یافت می شوند. طبق گزارش کتاب مقدس، خداوند از خاک زمین، آدم را سرشت (پیدایش فصل ۲ آیه ۷).

نه. سرگذشت آدم و حوا، نه فقط در الهیات یهود و مسیحیت به عنوان حقیقت مسلم تاریخی انگاشته می شود، بلکه تاثیر عمیقی بر مباحث الهیاتی داشته است. اگر آدم شخصیت واقعی نبود، الهیات نجات شناسی مسیحیت هرگز به وجود نمی آمد. هم چنین عملکرد مسیح در نجات انسان از گناه قابل درک نبود.

ده. طبق گزارشی که هزاران سال قبل توسط موسی با الهام روح القدس (روح خداوند) نوشته شد، گیاهان، حیوانات و سپس انسان از مواد آلی سیاره زمین ساخته شده اند. بنابراین، تشابه ژنتیکی میان انسان و گیاهان و هم چنین حیوانات

به دلیل وجود مواد آلی نظیر روی، فسفر، آهن، ید... مشاهده می شود. با این توصیف، آفرینش گیاهان و حیوانات و سپس انسان مجزا بود. فرض کنید شما با خمیر مخصوص بازی کودکان، مجسمه های خمیری نظیر حیوانات، درخت و انسان درست کنید. از نقطه نظر دی ان ای تفاوتی دیده نمی شود، چون منبع یکی بوده است. انسان و هم چنین حیوانات و گیاهان مجزا آفریده شدند تا خصوصیات مانده ظاهر و شکل، عواطف، اندیشه، زبان و هوش، میان آنان تمایز ایجاد نماید.

موسی با دی ان ای و علم ژنتیک، زیست شناسی و جانورشناسی امروز آشنا نبود. یازده. دی ان ای یک پدیده است که اطلاعات زیادی را به رمز درآورده است. نظریه تکامل تدریجی محدودیت قائل نیست. اما اطلاعات علمی در دی ان ای، در نقطه ای به محدودیت هایی می رسد و این نقطه ای است که ما می توانیم مرزهای طبیعی بین گونه های حیوانات مختلف را شناسایی کنیم. بررسی و تحقیقات دانشمندان علم ژنتیک ثابت کرده که انسان از طریق تکامل حیوانات به وجود نیامده است. ادعاهای مربوط به تکامل حیوان به انسان، در محدوده فرضیه و نظریه باقی مانده است. بررسی های نوین ژنتیکی در حال رسیدن به همان نتیجه ای می باشند که کتاب مقدس هزاران سال قبل بدان اشاره کرده بود.

دوازده. تکامل باوران مدعی هستند که انسان مدرن از نسل انسان های نئاندرتال است. آن ها برای تایید ادعای خود به بقایای فسیل ها در موزه های انسان شناسی اشاره می کنند. انسان های نئاندرتال در چین، روسیه و نواحی غرب اروپا و بخش هایی از قاره آفریقا زندگی می کردند. اولین نشانه ها از نئاندرتال های اولیه به حدود ۳۵۰ هزار سال پیش در اروپا برمی گردد. ۱۳۰ هزار سال پیش، مشخصه های کامل نئاندرتال ها ظاهر شدند و در ۵۰ هزار سال قبل نئاندرتال ها دیگر در آسیا دیده

نشوند. نسل آن ها در اروپا از ۳۳ تا ۲۴ هزار سال پیش به طور اسرارآمیزی منقرض شد. آن ها جمجمه بزرگ تر از انسان امروزی داشتند، کوتاه قامت و بسیار قوی بودند.

احتمالا تغییرات آب و هوایی سبب انقراض نسل نئاندرتال گردید. فرضیه هایی مطرح شده که شاید انسان مدرن با نئاندرتال ها ازدواج کرده اند و صاحب فرزندی شده اند. ولی شواهدی برای اثبات این نظریه یافت نشده است. با این توصیف، این سئوالات مطرح می شود که اگر انسان های مدرن هم زمان با نئاندرتال ها می زیستند، چرا تغییرات آب و هوا سبب انقراض انسان مدرن نگردید؟ چرا استخوان های انسان های مدرن در کنار انسان های نئاندرتال یافت نشده است؟ اگر انسان مدرن حاصل تغییرات ژنتیکی نئاندرتال هاست، چرا مراحل تغییرات بدن و استخوان بندی کشف نشده است؟ به عبارت دیگر، حلقه میانی و گمشده نسل انسان های نئاندرتال و انسان مدرن کجاست؟

بنابراین می توان نتیجه گرفت که انسان های امروزی از نسل نئاندرتال نبوده اند. همان طور که کتاب مقدس می گوید، آدم از خاک سرشته شد. اگر والدین آدم یا انسان های مدرن، نئاندرتال بودند، بدون تردید در کتیبه های سومری و بابلی بدان اشاره می گردید. کتیبه های اولین تمدن بشری یعنی سومر و بابل، از "آدم" به عنوان اولین انسان که در جنوب بین النهرین ( جنوب عراق ) می زیست، نام برده اند. در این کتیبه ها می خوانیم که خدایان "آدم" را آفریده اند. بنابراین زکری از اجداد آدم و نسل نئاندرتال ها نشده. هم چنین باید بدانیم که فسیل های نئاندرتال ها در عراق تا زمان حاضر کشف نشده اند. در کتاب مقدس و کتیبه های سومری و بابلی، منطقه بین النهرین به عنوان اولین زادگاه انسان مدرن معرفی شده است.

سیزده. دو مهر قدیمی پیدا شده که آنچه را که در کتاب پیدایش با کلمات بیان شده، در این دو مهر به صورت تصویر ارائه شده است. این مهر اول که در میان

الواح باستانی بابل کشف شده و در موزه بریتانیا نگه داری می شود، دقیقا به داستان باغ عدن اشاره می کند. در مرکز مهر اول که "وسوسه" نام گذاری شده، یک درخت قرار دارد. در سمت راست، یک مرد و در سمت چپ آن یک زن میوه می چینند. در عقب زن، یک مار ایستاده، گویی دارد در گوش زن زمزمه می کند.

مهر دوم که "آدم و حوا" نام دارد، در سال ۱۹۳۲ توسط دکتر اسپایزر از موزه دانشگاه پنسیلوانیا، در نزدیک دامنه تپه گاورا در ۱۸ کیلومتری شمال نینوا کشف شد. قدمت این مهر ۳۵۰۰ قبل از میلاد نسبت داده شده. در تصویر این مهر، یک زن و مرد برهنه در حال راه رفتن به گونه ای کاملا مایوس و دلشکسته هستند. ماری نیز به دنبال آن ها می آید. شکی نیست که در دوران ساخت این مهر، مردم لباس می پوشیدند. مطابق گزارش کتاب پیدایش، آدم و حوا و مار لعنت شدند. قطر این مهر حدود دو سانتیمتر است و بر روی سنگ حک شده و در موزه دانشگاه فیلادلفیا نگه داری می شود. این اسناد و شواهد تاریخی، گواهی هستند بر این که ویژگی های اصلی روایت کتاب مقدس درباره آدم و حوا، عمیقا در ذهن انسان اولیه نقش بسته بود.

نویسنده مقاله: مهران پورپشنگ